

بسم الله الرحمن الرحيم

دروسی از آزادسازی فلسطین توسط صلاح الدین

(ترجمه)

بسیاری از افراد هم‌چنان شاهد کشتار مهیب و وحشتناکی هستند که در فلسطین در حال وقوع است. آنچه از منطقه شیخ جراح آغاز شد و با حمله به مسجدالاقصی به بیت المقدس سرایت کرد، قلوب بسیاری از مردم جهان را جریحه‌دار کرد. این چرخش و تحول در حوادث عبارت از تکرار اشغال و طرد‌گند، باشندگان بومی منطقه به دست یهود و یاورانش بوده که یک قرن می‌شود به دراز کشیده. پس از سال‌های سال از مطالبه قطعنامه‌های سازمان ملل و مداخله غرب، اکنون بسیاری فهمیده‌اند که اشغالگران باید توسط ارتش مسلمانان ریشه‌کن و بریاد شوند.

متون و تاریخ اسلامی از جنگ‌های آزادی‌بخش که اشغالگران را بیرون رانده است، فراوان است. شاید مهم‌ترین آن‌ها در مشتمل بودن دروس آموزنده، آزادسازی فلسطین توسط سلطان صلاح الدین ایوبی باشد که فلسطین را در سال 1187م. بعد از 88 سال اشغال توسط صلیبی‌ها آزاد ساخت.

جغرافیای سیاسی در قرن یازدهم میلادی

تحركات سیاسی موجود در قرن یازدهم میلادی از سوی قدرت‌ها و نهادهای رقیب و سیاست توازن قدرت تفاوت‌چندانی با آنچه امروز در سرزمین‌های اسلامی وجود دارد نیست. خلافت عباسی قیادت مرکزی امت اسلامی را بدوش داشت، اما با حلول قرن یازدهم میلادی مجد و عظمت گذشته خود را از دست داد و تنها در سایه‌ی از قدرت سابق خود باقی ماند. قلب سرزمین‌های اسلامی بین مصر و شهرهای فارس ناهمگون و بی‌بنیاد شد و عدم تمرکز سیاسی منجر به ظهور دولت‌های موروثی شد که مراکز قدرت رقیبی را علیه خلافت ایجاد کردند.

رقبای اصلی، فاطمیون، فرقه اسماعیلیه بودند که ادعا می‌کردند به دلیل این که آن‌ها از نسل امام علی و فاطمه هستند، حق حکمرانی دارند که همین کارشان منجر به ملقب شدن‌شان به «فاطمیون» شد. فاطمیون سیطره بر سرزمین‌های اسلامی و تأسیس حکومت اسماعیلیه را وظیفه خود دانستند و از سال 909م. مستقیماً اقتدار عباسیان را به چالش کشیدند. زمانی که آن‌ها مصر را در سال 969م. اشغال کردند، به اولین قدرت جهان در سرزمین‌های اسلامی مبدل گشتند. با پایان قرن یازدهم میلادی، فاطمیون بر آفریقای شمالی، مصر، مکه، مدینه و قسمت‌های از سوریه و فلسطین حکومت کردند.

سلجوقیان یکی دیگر از بازیگران سیاسی بودند. در دوران عدم تمرکز، عباسیان برای حفظ توازن و تعادل در برابر فاطمیون از سربازان برده‌ای که از سرزمین‌های ترک آسیای میانه آورده شده بودند، برای خدمت در ارتش‌شان استفاده کردند. به گونه‌ای که این قبائل ترکی بسوی سرزمین‌های اسلامی مهاجرت کردند و به اسلام گرویدند؛ سپس در یک هرج و مرج سیاسی در قرن دهم میلادی دولت‌های خود را تأسیس کردند. سلجوقیان دولتی را بنا کردند که از سوریه تا آسیای میانه امتداد داشت، اما

آن‌ها نقش حمایت از خلافت را بدوش گرفتند و از گسترش اقتدار فاطمیون در قرن یازدهم جلوگیری کردند. در پایان قرن یازدهم، سلجوقیان در سراسر آناتولی گسترش یافتند و حتی در سواحل مقابل قسطنطنیه پدیدار گشتند.

حتی قبل از آغاز جنگ‌های صلیبی، مسلمانان به علت داشتن حکام و پادشاهان رقیب متلاشی و پراکنده بودند که وضعیت آن زمان، عین وضعیت سرزمین‌های اسلامی و حکام امروزی است که با هم‌دیگر رقابت دارند و چنان وضعیتی وجود داشت که آماده بهره‌برداری برای هرکسی بود که طرح‌های برای منطقه داشت.

استعمار اروپا در قرن یازدهم

وقتی امپراتور بیزانس، آلكسیس، فهمید که نمی‌تواند در سال 1095م. با مسلمانان بجنگد، برای جلوگیری از سقوط امپراتوری بیزانس به رقیب خود پاپ اوربان دوم در رم متوسل شد. پاپ اوربان از فرصت استفاده کرد و یک ارتش صلیبی را در سرتاسر اروپا تحت نام مسیح بسیج کرد که تعداد آن به ده‌ها هزار نفر رسید. در واقعیت قدس نصب العین پاپ اوربان بود. وی از تمام نصرانی‌ها خواست تا که از حمله بازپس‌گیری اشغال شهر بیت المقدس و تأسیس مملکت صلیبی در فلسطین تحت اقتدار پاپ حمایت کنند.

از سال 1096م. لشکریان تحت قیادت اشراف و مردان جنگجویی از فرانسه، آلمان و ایتالیای جدید به سمت اروپای شرقی حرکت کردند. در طول راه یهودیان اروپا، به دلیل حماسه مذهبی که کلیسا دامن زده بود، مورد قتل عام قرار گرفتند و هنگامی - که صلیبی‌ها به دیوارهای قسطنطنیه رسیدند، امپراتور آلكسیس از ترس این که مبادا این شهر را همانند ده‌ها شهر دیگری که در طول راه ویران نموده بودند، ویران کنند، برای شان اجازه دخول نداد.

هنگامی که صلیبی‌ها به شهر باستانی انطاکیه در مرز سوریه و ترکیه رسیدند، سیاست در منطقه به نفع آن‌ها می‌چرخید. طوری که انطاکیه مثل بسیاری از سرزمین‌ها و شهرها یک جزیره تنها بود. امپراتوری سلجوقیان یک رژیم سیاسی یکپارچه نبود، بلکه در عوض، شاهزادگان کوچک ترک شهرهای جداگانه‌ای را اداره می‌کردند و دائم با یکدیگر درگیر بودند. شهرهای بزرگ دمشق، حلب و موصل از بین رفته بود و امیران آن‌ها دائما در جنگ بسر می‌بردند. زمانی که حاکم انطاکیه از امیران و شاهزادگان دیگر علیه صلیبیونی که شهر وی را محاصره کرده بودند، کمک خواست، هیچ پاسخی دریافت نکرد. و هنگامی که صلیبیون شهر انطاکیه را تصرف کردند، ساکنان آن را کشتند و کشتار انطاکیه بر علاوه کشتارهای دیگری که در طول راه قدس صورت گرفته بود، منجر به نشر وحشت‌زدگی در مناطق اطراف شد. بنابراین امیران و شاهزادگان مسلمانان مشتاق خودداری و تجنب از درگیری همراه با صلیبیون بودند و به مجرد این که دانستند که هدف صلیبیون قدس است، بسیاری تصمیم گرفتند به جای این که با صلیبی‌ها بجنگند، از طریق غذا، اسلحه و عبور امن‌شان، از آن‌ها حمایت کنند. در تابستان سال 1099م. صلیبیون به دیوارهای قدس رسیدند. در 15 ژوئیه 1099م. پس از محاصره‌ای که فقط یک هفته به طول انجامید، صلیبیون موفق شدند تا که بین المقدس را از دست مسلمانان بگیرند(انا لله و انا الیه راجعون). این اولین باری بود که از زمان دخول عمر رضی الله تعالی عنه بعد از 462 سال، قدس از دست مسلمانان گرفته شد و این امر به دلیل تفرقه رهبران مسلمان و امثال شریف حسین و میر جعفر در همان زمان رخ داد که آن‌ها صلیبیون را کمک کردند.

تمام باشندگان و ساکنان قدس که بیشتر از 70 هزار نفر بودند، به قتل رسیدند، به گونه‌ای که خون مسلمانان تحت اقدام استعمارگران هم‌چو رود سرازیر شد. مساجد و کنیسه‌ها در سراسر شهر تخریب و نابود گردید. حتی مسیحیان نیز در رنج افتادند؛ قسمی که صلیبیون سعی داشتند تا که نسخه کاتولیک خود از مسیحیت را به جای کلیساهای سنتی یونان، ارمنستان، گرجستان و دیگر کلیساها در شهر تحمیل کنند.

دولت‌های وابسته

با هرج و مرج سرزمین‌های اسلامی، صلیبیون مؤفق به تثبیت موقعیت‌شان در قدس شدند و در عرض چهار سال، چهار مملکت صلیبی در مناطق: الرها، امارت انطاکیه، امارت ارمنی کلیکیا و ولایه طرابلس همراه با مملکت قدس به میان آمد.

به دلیل اختلافات داخلی، سرزمین‌های اسلامی ضعیف‌تر از آن بودند که در برابر صلیبیون مقاومت کنند، زیرا مراکز قدرت و فرمانروائی بغداد، دمشق و یا هم قاهره در وضعیتی نبودند که بتوانند پاسخ‌گو باشند. حتی بعضی از روستاها و شهرهای اسلامی تجارت با دولت‌های صلیبی را آغاز کردند که این کارشان حضور صلیبی‌ها را تقویت بخشید.

قدرت در وحدت

نیم قرن از فقدان و نبود قدس در دست مسلمانان طول کشید تا پاسخ مسلمانان متبلور شود. به گونه‌ای که کار از عمادالدین زنگی امیر ترکی که بر شهر موصل در شمال عراق حکومت می‌کرد، شروع شد. وی موصل و حلب را تحت یک دولت واحد با تلفیق دو شهر بزرگ در منطقه متحد کرد و ارتش وی در سال 1044م. به ولایه الرها دولت صلیبی یورش کرد. در آن زمان الرها ضعیف‌ترین دولت صلیبی بود. صلیبیون از دست دادن آن را مانند کار امیران و شاهزادگان کوچک با انطاکیه دیدند و این اشتباه بزرگی بود.

استراتژی عمادالدین، تشکیل یک سوریه متحد در برابر تهدیدهای صلیبی با قرار دادن دمشق در تحت کنترلش بود، اما شهر باستانی از تحت قبضه اش خارج شد، زیرا امیر دمشق دوست نداشت که از قدرتش کناره‌گیری کند و لو که این کار بنام وحدت مسلمانان باشد و به وحدت آنان منجر شود.

عمادالدین زنگی در سال 1146م. درگذشت و پسرش نورالدین زنگی به خاطر وحدت و توحید سرزمین‌های اسلامی مبارزه را به عهده گرفت. نورالدین زنگی در سال 1149م. اکثریت سرزمین‌های اطراف انطاکیه را بدست آورد و در سال 1154م. امیر دمشق را با کمک ساکنان محلی که از تحالف و هم‌پیمانی آن به دولت‌های صلیبی خسته شده بودند از پای درآورد.

با اتحاد سوریه تحت یک حاکم، فقط مسئله مصر باقی ماند. در آن هنگام صلیبیون به خاطر اشغال به سمت جنوب چرخیدند تا که جای پای خود را در منطقه وسیع سازند. فاطمیون احساس کردند که بزودی شکست خواهند خورد. بنابراین به عمادالدین که لشکری تحت نام وحدت اسلامی فرستاده بود، وصل شدند، اما به مجرد این که صلیبیون شکست خوردند، فاطمیان همراهی صلیبیون تازه‌شکست‌خورده به خاطر بیرون راندن نورالدین و ارتش آن از مصر هم‌پیمان شدند. این یک خیانت درجه اول بود و نورالدین از مصر عقب‌نشینی کرد. اما فقط بعد از چهار سال، فاطمیون باری دیگر مجبور شدند که با نورالدین به پیوندند،

زیرا صلیبیون به قصد اشغال مصر برگشتند و این بار نورالدین زنکی صلیبیون را در مصر شکست داد، سپس فاطمیون را شکست داد و فرمانده خود؛ جنرال شیرکوه را والی مصر گماشت که چند ماه بعد بدلیل مرضی که عاید حالش شده بود، درگذشت و برادرزاده اش یوسف در سال 1169م. به جایش منصوب شد؛ همان که همه ما وی را بنام صلاح الدین ایوبی می-شناسیم.

محاصره دشمن

صلاح الدین ایوبی اساس آزادسازی قدس را نهاد و بلافاصله شروع به فعالیت کرد. این کار با وحدت بخشیدن و توحید مصر و گذاشتن تمام بازماندگان فاطمیان در زباله‌دان تاریخ آغاز شد. حکومت فاطمیون گمراه که قرن‌های متمادی در سرزمین‌های اسلامی بسان خار بود، رسماً منسوخ شد و دانشگاه الازهر مصر که سنگر تبلیغات اسماعیلیه بود، به یک دانشگاه اسلامی سنتی تبدیل شد که تا به امروز هم‌چنان باقی‌ست.

صلاح الدین با مملکت قدس معاهدات صلح امضاء کرد تا برایش مهلت داده شود که سرزمین‌های اطراف قدس را وحدت بخشد و زمانی که نورالدین در 1174م. در اثر بیماری درگذشت، صلاح الدین در نقش والی به حمایت گسترده از مردم به سمت سوریه روان شد و سوریه و مصر را کاملاً وحدت بخشید؛ آن‌هم برای اولین بار از زمان حکومت فاطمیون. سپس عراق را نیز تحت سلطه خود متحد ساخت و این بدین معناست که حالا مملکت صلیبی قدس در میان یک دولت با اقتدار و متحد اسلامی احاطه شده است که حاکم آن معتقد است که آزادسازی قدس وجیبه اش می‌باشد.

در جنگ حطین در سال 1187م. ارتش صلاح الدین، ارتش صلیبی را در قدس کاملاً شکست داد و جز افراد اندکی از اشراف که در شهر قدس به صلاح الدین تسلیم شدند، کسی دیگری باقی نماند. صلاح الدین برخلاف صلیبیون که تمام ساکنان قدس را به قتل رساندند، اجازه داد تا در امنیت بسوی سرزمین‌های مسیحی بروند و برای شان اجازه داد تا داشته‌هایشان را همراهی شان ببرند و اماکن مسیحی نیز محفوظ ماند و اجازه زیارت در آنجا داده شد.

از آزادسازی قدس دروسی بسیار می‌توان آموخت که در مورد وضعیت امروزی ما صدق می‌کند:

انقسام و متفرق بودن: صلیبیون به دلیل عدم وحدت حکام مسلمانان توانستند که جایگاه خود را در سرزمین‌های اسلامی بدست آورند، به گونه‌ای که اختلافات جزئی آن‌ها باعث شده بود که آن‌ها را بر سر چیزهای بی‌ارزش رقیب سازد و نگرانی شان از جنگ با یکدیگر بیشتر از مقابله با تهدید صلیبیون بود و این به وضعیت کنونی ما مسلمانان بسیار همخوانی دارد، طوری که ما امروز به دولت‌های قومی و ملی تقسیم شده ایم که با یکدیگر رقابت می‌کنیم و این در حالی‌ست که غرب کافر از این اختلافات قومی کوچک به خاطر منافع ویژه خود سودجویی می‌کند.

برکناری حکام: صلاح الدین به ما آموخت که با اختلافات چگونه برخورد کنیم، طوری که وی با تمام حکامی که از اتحاد و بازپس‌گیری قدس امتناع ورزیده بودند، جنگید و آنان را برکنار ساخت و هنگامی که فتح مصر از فاطمیان را رهبری می‌کرد، حمایت مردمی را بدست آورد که نه تنها اراده آزادسازی قدس را نداشتند؛ بلکه به حکومت فاطمیان سرتسلیم فرود آورده و آن

را متحل شده بودند؛ ولی بعد از آن اراده آزادسازی قدس را نمودند. صلاح الدین با احساسات مردم هماهنگ بود، نه با حکام فاطمیون. هان! ما امروز با وضعیت مشابه مواجه هستیم. حکام امروزی ما کاملاً با احساسات امت در تضاد اند، قسمی که امت خواهان آزادسازی قدس است، اما حکام به میزان ضعف مسلمانان و قدرت یهودیان و به میزان بسته بودن دستان شان استناد می‌کنند. اما صلاح الدین در این سناریو به ما نشان داد که این حکام باید برکنار شوند و کسانی که احساسات شان با امت هم‌خوانی دارد جایگزین شوند.

حکام مزدور و دست‌نشانده: دولت صلیبی به همکاری حکام کوچک مسلمانان که در اطراف قدس بودند، توانست موقعیت خود را در منطقه تثبیت کند. هدف دولت صلیبی، استفاده از قدس برای تقویت و گسترش موقعیت‌اش در سرزمین‌های شام بود. امروزه رژیم یهود در قرن بیست و یکم نقش مملکت صلیبی را بازی می‌کند. حکام مصر، اردن و سوریه معاهدات و روابطی با یهود دارند که یهود را تقویت بخشیده و یهود بدون آن به حیات خود ادامه داده نمی‌تواند. صلاح الدین با عین وضعیت روبرو شد و با تمام مناطق اطراف قدس جنگید و حکام مزدور آن زمان را برکنار کرد، وی در واقع با این کار خود خط تأمین حمایت از مملکت صلیبی را قطع نمود.

خط تأمین و امداد رسانی: صلاح الدین از ابتدا دید که تجارت بین روستاها و حکام کوچک مسلمانان است که از اقتصاد پادشاهی صلیبی در قدس حمایت می‌کند، بنابراین وی از طریق آزادسازی این سرزمین‌ها این خط تأمین و امدادرسانی را قطع کرد و در نتیجه شاه‌رگ اقتصادی مملکت صلیبی قطع شد. وقتی محاصره قدس شروع شد مسیحی‌ها نتوانستند که مقاومت بیاورند و تسلیم شدند، چون که نتوانستند با نیروهای صلاح الدین وارد جنگ شوند. امروز وضعیت مشابهی را با رژیم یهود می‌یابیم، طوری که آب آن از اردن فراهم می‌شود و گاز طبیعی آن از مصر و حکام منطقه و اطراف قدس این رژیم غاصب را حمایت می‌کنند.

پایگاه پیشروی: دولت‌های صلیبی در ابتدا به عنوان پایگاه جبهه‌ای از کلیسا در اروپا به میان آمدند تا به سرزمین‌های مقدس دست یافته و اطراف آن را تحت استعمار خود قرار دهند. با وجود جنگ‌های متعدد، صلیبیون توانستند که پایگاه پیشروی خود را حفظ کنند. طولانی‌ترین استعمار 88 سال بود که صلاح الدین به آن خاتمه بخشید. این نقش امروزی رژیم یهود در منطقه می‌باشد، یهود برای حفظ موقعیت خود، در منطقه مداخله نموده و به همین دلیل غرب آن را مسلح ساخته و آن را حمایت می‌کند؛ همان‌گونه که دولت‌های صلیبی معاهدات و توافق‌نامه‌های با حکام کوچک مسلمانان به خاطر حفظ موقعیت شان و این که برای برادران مسیحی شان در اروپا پایگاه پیشروی باشند به میان آورده بودند. پس امروز حامل و انتقال دهنده طیاره‌ها برای ایالات متحده رژیم یهود است و همین رژیم یهود یکی از ابزارهای است که ایالات متحده برای حفظ نفوذ خود در منطقه از آن استفاده می‌کند. اخراج مملکت یهود از منطقه مثل که صلاح الدین ایوبی در قرن یازدهم انجام داد، دقیقاً همان چیزی است که باید امروز صورت گیرد تا این ابزار خارجی از مداخله کردن در منطقه امتناع ورزیده و از بین برده شوند.

صلاح الدین ایوبی با عملکرد خود، به ما واضح ساخت که برای اتحاد و وحدت مجدد مسلمانان، اخراج حکام مزور از میان مسلمانان و آزادسازی فلسطین چیز غیر ممکن نبوده و راه حصول آن همان چیزی است که وی طی نمود. به عبارت دیگر؛

عملکرد وی بیانگر اینست که ما چگونه سرزمین مبارک قدس را به اذن الله سبحانه وتعالی آزاد می‌سازیم و واجب است که این کار را در اولویت قرار دارد و همین امر بزودی زود به وضعیت المناک که امروز شاهد آنیم، خاتمه خواهد بخشید.

#الأقصى_يستصرخ_الجیوش

#Aqsa_calls_armies #AqsaCallsArmies

#OrdularAksaya

نویسنده: عدنان خان

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: محمد مزمل